

به پاس مهربانی بی‌دریغ و با احترام به
راهنمایی‌های علمی فراوان در انجام رسانیدن
این تحقیق، پژوهش حاضر تقدیم می‌گردد به
استاد دکتر شهرام یوسفی‌فر

الف	مقدمه
الف	معرفی موضوع
ج	طرح مسأله
هـ	سؤالات
هـ	فرضیات
و	اهداف پژوهش
ز	روش پژوهش
ز	موانع پژوهش
ح	محدود زمانی

نقد و بررسی منابع پژوهش

۲	اشاره: نظری به منابع و مأخذ
۷	نقد و بررسی منابع پژوهش
۷	الف: منشآت
۲۲	ب: متون تاریخی
۳۴	پ: متون دیوانی
۴۱	ت: منابع تحقیقی

فصل اول – نگاهی به وضعیت سیاسی دوره خوارزمشاهی

۴۵	جغرافیای تاریخی خوارزم
۴۸	تاریخ خوارزمشاهیان از آغاز تا حکومت آتسز

صفحه	عنوان
------	-------

۵۰	-حکومت آتسز و آغاز جدال با سلجوقیان
۵۵	ایل ارسلان
۶۱	-سلطان تکش
۶۹	-سلطان محمد خوارزمشاه
۸۱	سلطان جلال الدین خوارزمشاه

فصل دوم – الگوی دیوانسالاری قبل از خوارزمشاهیان

۸۸	الف-الگوی دیوانسالاری غزنویان
۹۳	ب-الگوی دیوانسالاری سلجوقیان

فصل سوم – دیوانسالاری خوارزمشاهی

۱۱۷	دیوانسالاری خوارزمشاهی
-----	------------------------

بخش اول – دیوانسالاری خوارزمشاهی، ساختار و تشکیلات

۱۲۰	اهل قلم
۱۲۰	سلطان
۱۲۶	وزارت
۱۳۸	دیوان استیفا
۱۴۴	دیوان رسائل و انشاء (طغرا)
۱۴۷	دیوان اشراف
۱۵۰	دیوان عرض
۱۵۳	دیوان معامله و قسمت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
دیوان عمل.....	۱۵۵
وکیل در	۱۵۹
ریاست.....	۱۶۳
علمای دین.....	۱۶۷
قضاوت.....	۱۷۰
خطابت.....	۱۷۸
ریاست و نقابت طبقات مذهبی.....	۱۸۱
احتساب.....	۱۸۲
اهل شمشیر.....	۱۸۳
حکام، وظایف و اختیارات.....	۱۸۴
شحنگی.....	۱۸۷
اتابکان.....	۱۹۰
سایر مناصب و مقامات دیوانسالاری.....	۱۹۲
دیوان و دیوان سالاران وابسته به خواتین	۱۹۴

بخش دوم – دیوانسالاری خوارزمشاهی: دیوانسالاران

دیوانسالاری خوارزمشاهی دیوانسالاران	۲۰۴
نتیجه گیری.....	۲۱۹
ضمیمه.....	۲۲۱
منابع و مأخذ.....	۲۳۶

چکیده

حکومت خوارزمشاهیان (۴۷۰-۶۱۸ هـ.ق) از زمره حکومت‌های بزرگی بود که قبل از حمله مغولان در ایران تأسیس یافت. آنان که بازماندگان غلامی ترک به نام انوشته‌کین بودند در دربار سلاطین سلجوقی مقرب گشته و طولی نکشید از خادمینی تابع و مطیع به حاکمینی مستقل تبدیل شده و در فضای سیاسی زمان خویش، دارای نقش فراوان در تحولات منطقه ماوراءالنهر و دیگر مناطق تحت تصرفشان شدند. انوشته‌کین در دربار ملک‌شاه سلجوقی منصب طشت‌داری یافت و پس از وی فرزندش قطب‌الدین محمد، لقب خوارزمشاه یافت. به هنگام درگیری سنجر سلجوقی با غزها بود که آتسز، فرزند قطب‌الدین محمد، از دولت بزرگ سلجوقی جدا و مستقل گشت. وی را می‌بایست مؤسس حکومت مستقل خوارزمشاهیان دانست. پس از وی ایل ارسلان تا سال ۵۶۷، سلطنت کرد. فرزند وی، بیشتر دوران سلطنت خود را صرف جنگ با برادرش سلطان شاه کرد. در دوره پادشاهی تکش، فعالیت‌های اسماعیلیان نیز شدت یافت و وی درگیر مبارزه با اسماعیلیان به سال ۵۹۶ درگذشت. در روزگار سلطنت فرزند تکش، علاءالدین محمد، دولت خوارزمشاهی به نهایت قدرت و وسعت قلمرو ارضی دست یافت. مازندران، کرمان، تمام هرات و افغانستان و آذربایجان کنونی مجموعه این تصرفات را تشکیل می‌داد. نیز جنگ وی با غوریان و نبرد اترار، ایران را با سرزمین مغولان هم مرز گردانید. همچنین کشمکش‌های وی با خلیفه عباسی - الناصرلدين الله - سبب اردوگشی قطب‌الدین محمد به بغداد شد که در بین راه سرمای همدان، اجازه پیش روی به سلطان خوارزمشاه نداد. نظام فروپاشیده زمین‌داری، ستم‌طبقات ممتاز و بی‌سیاستی و فساد درونی ساخت دیوانی خوارزمشاهیان منجر به حمله ایلغار مغولان گردید و این امر نتیجه‌ای جز نابودی سلسله خوارزمشاهی نداشت. از جلال‌الدین نیز کاری بر نیامد و تلاش‌های او پس از بازگشت به ایران، سودی نبخشید.

دستگاه حکومتی خوارزمشاهیان اعم از کشوری و لشکری زیر نظر سلطان قرارداد داشت و شخص دوم مملکت وزیر یا خواجه جهان بود که دیوان وزارت را به نمایندگی از طرف سلطان اداره می‌کرد. دواوین چندگانه استیفا، طغرا، اشراف و عرض بمانند دوران سلجوقی به فعالیت می‌پرداختند. نیز برخی مناصب در این دوران دارای اعتبار دیوانی است چون منصب رئیس که منصبی کشوری شمرده می‌شد. تشکیلات اداری عصر خوارزمشاهیان، تداوم الگوی دیوانی سلاجقه می‌باشد به استثنای بعضی تفاوت‌ها، ساخت دیوانسالاری ایران در روزگار سلاجقه، چه از جهت تعداد دواوین و مناصب دیوانی و چه از نظر حدود وظایف و شرح مسؤولیت‌های دیوانیان هر دیوان، در روزگار سلاطین خوارزمشاهی امتداد می‌یابد. این پژوهش با هدف نشان دادن دیوان‌های حکومتی ایران در روزگار خوارزمشاهیان و معین کردن وظایف دیوانیان قرار گرفته در مناصب مختلف شکل گرفته است. نیز بیان چگونگی تداوم الگوهای دیوانی عصر سلاجقه در دیوانسالاری خوارزمی از دیگر اهداف این پژوهش بوده است.

نیز در این پژوهش از ضعف ساختار دیوانی خوارزمشاهیان، عدم اجرای صحیح وظایف دیوانی دیوانسالاران، غلبه ساخت نظامی و لشکری دولت خوارزمشاهی بر عناصر دیوانی کشوری آن، و در نهایت شکل‌گیری دیوانهای موازی و هم‌عرض دیوان مرکزی چون دیوان ترکان خاتون و مجموع عواملی که سبب ضعف ساختار دیوانی مرکزی این دولت گشته تا جائیکه اسباب سقوط آنرا فراهم آورد، سخن رفته است.

۱- معرفی موضوع:

مطالعه تاریخ سیاسی و تحولات نظامی، اقتصادی، فرهنگی یک حکومت بدون بررسی ساختار دیوانی آن امکان‌پذیر نیست، چرا که دیوانهای مختلف هر حکومتی. علی‌القاعده، بصورت یک کل منسجم و هماهنگ در کنار یکدیگر، امور مربوط به اداره آن حکومت را بر عهده دارند.

دوران مورد بررسی این پایان‌نامه حکومت خوارزمشاهیان قرار گرفت و موضوعش ساختار دیوانی آن. حکام منطقه خوارزم که حتی قبل از تأسیس حکومت مستقل خویش، به واسطه وظیفه اداره منطقه تحت نظر خود، عنوان خوارزمشاه، داشتند، در طول دوران حکومت سلاجقه از مهم‌ترین نیروهای داخلی سیاسی و اهرم‌های تعیین شرایط سیاسی منطقه به حساب می‌آمدند. بر این اساس غلام - امیرانی که امر حکمرانی نواحی مختلف را بر عهده می‌گرفتند، اشکال و رویه‌های سیاسی و اداری مرسوم در دربار و دیوان مرکزی را الگوی عمل خود قرار داده و سازمان‌های محلی ضروری را در نواحی گوناگون برپا می‌کردند.

خوارزمشاهیان به واسطه شیوه‌های اداره قلمرو خود و نیز نوع اطاعت و فرمانبرداری از حکومت - سلاجقه -، در میان حکومت‌های هم عصر و نیز در تاریخ ایران دارای اهمیت خاصی می‌باشند. مناسبات پیچیده‌ای که در روابط خوارزم با سلاطین سلجوقی وجود داشت و در ارتباط مستقیم با افزایش یا کاهش قدرت در حکومت سلجوقیان بود و از اطاعت کامل تا طغیان و اعلام جنگ علیه سلاجقه را دربر می‌گرفت، در کنار موضوع دیگری چون رویه کشورداری خوارزمیان بویژه پس از سقوط حکومت سلجوقی به دست تکش (۵۹۰ ه.ق) ضرورت درک ویژگی‌های این حکومت را افزون می‌کند روابط سلاطین خوارزمشاهی با دستگاه خلافت عباسی و سیاست خاصی که در این راستا اتخاذ می‌نمودند، حکایت از وجوه دیگر ویژگی‌های منحصر در نزد این حکومت دارد.

تبار حکمرانان خوارزمشاهی ریشه در سازمان غلامان ترک سلجوقی داشت. در دوره سلجوقیان امر اداره نواحی گوناگون به غلام – امرای ترک اعطا می‌گشت و آنان موظف بودند، برای اداره این گونه مناطق از سیاست‌های حکومت مرکزی پیروی کنند.

خوارزمشاهیان الگوی دیوانسالاری و رویه‌های دیوانسالاران سلاجقه بزرگ را اخذ و اقتباس کرده و پس از آن که شرایط برای تأسیس حکومتی مستقل فراهم گردید استمرار نظام دیوانسالاری سلجوقی در دوره خوارزمشاهی را تضمین گردید. اما بهر حال این حکومت بنا به ویژگی‌های منحصر خود از شرایطی که متفاوت با دیگر حکومت‌های زمانه خویش بوده بهره می‌برد. این امر تفاوت‌هایی در حوزه دیوان سالاری این حکومت با سایر حکومت‌های هم زمان بوجود می‌آورد. از جمله عوامل مؤثر در ایجاد این تفاوت‌ها به نقش و نحوه تأثیرگذاری قبایل کوچرو در قلمرو خوارزمشاهیان، یا شیوه‌های دخالت و برقراری نفوذ خواتین ترک در مناسبات سیاسی و نظامی این حکومت می‌توان اشاره کرد.

ترکیب نژادی قبایل تشکیل دهنده حکومت خوارزمشاهیان که شکل یافته از قبایل متعدد بودند، نقش قبیله‌های گوناگون در مناسبات سیاسی خوارزمشاهیان را پررنگ‌تر می‌کرد. برتری نژادی یک قبیله و شعبه‌های آن، سبب برتری تمامی اعضای آن در ساختار سیاسی حاکمیت خوارزمشاهیان شود. این برتری‌ها و تأثیرگذاری حاصله از آن را در مداخله‌های مکرر اعضای قبیله مادر سلطان محمد خوارزمشاه – ترکان خاتون – در فضای سیاسی ایران عصر خوارزمشاهیان می‌یابیم. نیز ویژگی‌های قبیله‌ای ترکانه خوارزمیان و اتخاذ مناصب اعلای نظامی در این ساختار سبب می‌گردید تا نسبت به دیگر اعضای ساختار دیوان یعنی ایرانیان سیاستی خاص اتخاذ گردد. این امور سبب می‌شد تا حکومت خوارزمشاهی ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد.

افزون بر این، الگو و رویه‌های دیوانسالاری خوارزمشاهیان پس از آن که توسط مغولان اقتباس گردید. دیوانسالاران دوره خوارزمشاهی و تربیت شدگان دیوانی آنان سنت‌ها و روال‌های دیوانی خوارزمشاهی - سلجوقی را در ادوار بعد استمرار بخشیدند. در واقع میراث دیوانسالاری خوارزمشاهی، برخلاف الگوی حکومتی یا سازمان ارتش و دیگر اجزا تمدنی ایران، به دوره بعد انتقال یافت. از اینروست که مطالعه ساختار دیوانسالاری در عصر خوارزمشاهی امکان فهم و درک شرایط استمرار نهادهای اصلی جامعه ایران در وضعیت هجوم و تخریب اجتماعی که در اثر تهاجم مغولان در ایران پدید آمده را فراهم می‌کند. به دیگر سخن مطالعه دیوانسالاری ایران در روزگار خوارزمشاهیان نه تنها آگاهی‌های لازم در باب میزان تأثیرپذیری ... سازمان دیوانسالاری خوارزمشاهی از سازمان دیوانی سلاجقه را آشکار می‌سازد بلکه به عناصری که تداوم آنها در روزگار حاکمیت مغولان بر ایران، سبب اداره امور اداری سیاسی حکومت آنان می‌گشت، نیز اشاره دارد.

- طرح مسأله:

از آنجا که می‌توان به طور کلی ساختار دیوانی دوره خوارزمشاهی را استمرار و تداوم وضعیت ساختاری دوران سلاجقه در نظر آورد، باید در خصوص تغییرات، اصلاحات و برخی تفاوت‌های موجود بین این دو الگوی دیوانسالاری عطف توجه نمود. زیرا بنا به آن که در دوره خوارزمشاهیان تفاوت‌های مشخصی در زمینه‌های ارتقای نقش قبایل کوچرو در زندگی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جامعه خوارزمشاهی نسبت به دوره سلجوقی، دخالت جویی‌های گسترده‌تر برخی از نخبگان سیاسی و زنان با نفوذ در امور سیاسی - نظامی حکومت خوارزمشاهی و نظایر این‌ها سبب می‌گردید، ساز و کار دیوانسالاری و کارکردهای آن در دوره خوارزمشاهی، جهت‌گیری‌های متفاوت‌تری را پیدا نماید. از سوی دیگر با عنایت به تحولاتی که در دوره پیشین آغاز شده بود و در این زمان به منصف ظهور می‌رسید برخی عناصر جدید به نظام اداری وارد گردید. در دوره پیش

برخی از ویژگی‌های این نظام نوین اداری توسط حکمرانان سلجوقی و عوامل دیوانی آنها سازماندهی شده بود. بهر حال ساز و کار زندگی قبیله‌ای و نظام کوچروی، به مانند مانعی در برابر برقراری تمرکز در امر اداره کشور عمل می‌کرد. بر این اساس مناسب است. با عنایت به شرایط تحول یابنده دوره خوارزمشاهی، چگونگی استمرار یا تضعیف و کنار گذاشته شدن برخی عناصر مهم در ساختار دیوانسالاری این دوره را مورد مطالعه و تحقیق قرار داد.

از سوی دیگر، چون بررسی ساختار هر حکومت نیازمند آن است که اجزای اصلی تشکیل دهنده آن را مطالعه کرد و مناسبات میان اجزای مختلف این ساختار و حتی مناسبات لایه‌ها و مناصب موجود در یک دیوان را درک کرد، لازم است مطالعه دیوانسالاری و دیوانسالاران دوره خوارزمشاهی را به عنوان موضوعی که امکان تحلیل سیاسی و اجرای حکومت خوارزمشاهی را فراهم می‌آورد، مورد نظر قرار داده، در واقع نمی‌توان مسائل دوران سلاجقه یا خوارزمشاهیان را در تاریخ میانه ایران از منظر تحولات سیاسی و اجتماعی، نظامی، اقتصادی و ... مورد بررسی قرار داد اما از شناخت وضعیت دیوانسالاری و ساخت دیوانی آنان غافل بود.

از آنجایی که نگارنده به تداوم ساخت دیوانی عصر سلجوقی و حتی دوران غزنویان در عصر خوارزمشاهی باور دارد- صرف نظر از وجوه تفارق در ساخت دیوانی هر کدام از اعصار حکومتی قبل از پرداخت به ویژگی‌های دیوانسالاری عصر خوارزمشاهی، بیان مختصری از شرایط دیوانی و وظایف هر کدام از دیوانهای دوران غزنوی و سپس سلجوقی لازم می‌نمود. روشن ساختن ویژگی‌های دیوانی این ادوار تاریخی، سبب درک ویژگی‌های مشابه و تفارق ساخت دیوانسالاری ایران عصر غزنوی و سلجوقی با عصر خوارزمشاهی می‌گردد.

در اصلی‌ترین بخش این نوشتار به بررسی ویژگی‌های دیوانی ایران در عصر خوارزمشاهیان پرداخته شده است. که در دوران خویش از دو جزء مجزا شکل یافته، در جزء اول بدون توجه به مشخصاتی از اسامی دیوانسالاران این عصر، تنها به ذکر خصایص دیوانسالاری این دوران اکتفا شده

است. تقسیم‌بندی دیوان‌های چندگانه این دوره و نیز بیان وظایف هر کدام از این دیوان‌ها و اجزای ریزتر آن و احیاناً تفاوت‌هایی که ممکن است در حدود وظایف برخی از دیوانیان این عصر نسبت به ادوار قبل خویش ایجاد شده باشد، از دیگر مطالبی است که در بخش اول این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. عدم ذکر مشخص نام دیوانیان این دوران و پراکندگی و اغتشاشی که در اسامی بر جای مانده از این دیوانیان در متون این عصر قابل مشاهده است سبب گردید تا جائیکه امکان‌پذیر است با ترسیم جدولی توانستیم از حداکثر اسامی باقیمانده نیز اطلاعاتی کسب کنیم و بخش دوم این فصل را این جدول به خود اختصاص داده است.

۲-سؤالات

۱- آیا ساختار دیوانسالاری خوارزمشاهی در تداوم الگوهای دیوانسالاری غزنویان و سلجوقیان قرار داشت یا از الگوی متفاوتی پیروی می‌کرد؟

۲- ویژگی‌های اصلی ساختار و تشکیلات اصلی دیوانسالاری خوارزمشاهی چه بودند؟

۳- آیا تحولات سیاسی - نظامی دوره خوارزمشاهیان تغییراتی در ساختار و عملکرد دیوانسالاری برجای گذارد؟

۳-فرضیات

۱- ساختار دیوانسالاری خوارزمشاهی در ابتدا از الگوی دیوان ایالتی رایج در دوره سلجوقی پیروی می‌کرد. اما در مراحل بعد در دو عرصه ساختار و کارکرد در تداوم الگوهای دیوانسالاری پیش از خود غزنویان و سلجوقیان قرار گرفت. با آن که برخی تفاوت‌ها در ساختار عملکرد دیوانسالاری خوارزمشاهی وجود داشت اما آن موارد را نمی‌توان موید تفاوت الگوهای دیوانی مزبور تلقی کرد.

۲- ساختار و کارکردهای اصلی دیوانسالاری خوارزمشاهی در پیروی از الگوی تفکیک وظایف و اختیارات بین درگاه و دیوان و نیز تفویض اختیارات حوزه اجرا به دیوانهای تابعه وزیر مشخص

می‌شد. اما در این میان جریان قدرت‌گیری روزافزون رؤسای قبایل و زنان حرمسرا چالش‌هایی در برابر عملکرد دیوانسالاری بوجود آورد.

۳- تبدیل حکومت محلی خوارزمشاهی به حکومتی با ویژگی‌های حکومت امپراتوری سبب گردید ساختار و کارکردهای دیوانسالاری آنان از الگوی دیوانسالاری معطوف به کارکردهای محلی خارج گردیده و به سوی اخذ و کاربست الگوی دیوانسالاری غزنوی- سلجوقی تمایل یافته و در مراحل بعد بنا به نقش رو به افزایش قبایل در ساختار سیاسی - نظامی خوارزمشاهیان از الگوی عدم تمرکز روزافزونی پیروی نماید.

۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی از این پژوهش بازسازی مناسبات دیوانسالاری ایران در دوران خوارزمشاهی است. با توجه به اهمیت‌های موضوع و جایگاه آن، تنها باید به این بخش اشاره کرد که به گمان نویسنده با بررسی در باب ساختار دیوانی این دوران می‌توانیم به شناخت عمیق‌تری از ساختار حکومتی این عصر دست یابیم و عملکرد بخشهای مختلف حکومتی، روابط این بخشها با یکدیگر و تداخلات احتمالی وظایف و کارکرد آنان را آشکار سازیم. بدین ترتیب هدف از پژوهش حاضر در دوران مورد بررسی و شرح وظایف و عملکرد هر یک از این گروه‌ها با تکیه بر منابع تاریخی برجای مانده از این دوران، به روشن تر گشتن فضای تاریخی دورانی دیگر از تاریخ ایران کمک کنیم.

نیز با این پژوهش به میزان اهمیت هر کدام از دیوان‌ها و تغییر این اهمیت در موقعیت‌های گوناگون پیش‌آمده برای آن سلسله تاریخی، به چگونگی روابط سلطان به عنوان عالی‌ترین قدرت سیاسی مافوق دیوان‌های مختلف حکومتی، تداخل عملکرد و وظایف دیوان‌ها در یکدیگر اشاره می‌کنیم.

همچنین نتایج این پژوهش ما را قادر خواهد ساخت به میزان تداوم یا گسست ساختار دیوانی ایران در یک عرصه وسیع تر تاریخی پی ببریم. به عبارت دیگر، میزان تأثیرپذیری ساخت دیوانی ایران در عصر خوارزمشاهی از دوره قبل خویش و نیز میزان تأثیر گذاری همین ساختار در دورانهای پس از آن امکان پذیر می گردد. ضمن اینکه نقاط افتراق ساختاری دیوانسالاری در دوران قبل و بعد از عصر مورد بررسی مورد توجه قرار می گیرد.

۵- روش پژوهش

اساس تحقیق بر شیوه جمع آوری اطلاعات از منابع دست اول بازمانده از دوران سلجوقی و خوارزمشاهی استوار است. در این شیوه نویسنده کوشیده است تا حد امکان منابع بازمانده از این دوران را مورد بررسی قرار دهد و اشاراتی که راجع به دیوانیان و ساختار دیوانی این عصر می باشد را جمع کرده و از مجموع آن داده ها به بازسازی فضای دوران مورد بحث پردازد. از آنجایی که گردآوری مجموعه ای از اطلاعات تاریخی مورد نیاز این پژوهش، به جهت دستیابی به شرایط و ساختار دیوانسالاری دوران مورد بحث، بوده است. لاجرم روش تحقیق، ساختاری، توصیفی در نظر گرفته شد. سعی نگارنده بر آن بود تا با توصیف شرایط دوران تاریخی مورد نظر، به تحقیقی ساختاری در این موضوع پردازد.

۶- موانع پژوهش

مهم ترین مانع تحقیق در این پژوهش، عدم وجود متونی در مجموعه تولیدهای تاریخ نگارانه دوران مورد بحث است که اختصاص به نظام اداری و چگونگی کارکرد دیوانهای مختلف سلسله خوارزمشاهی داشته باشد. به دیگر سخن قلت متونی چون سیاست نامه که از جانب یک دیوانسالار آنهم در عالی ترین سطح آن نگاشته شده و در آن توضیحاتی کافی در باب چگونگی تشکیلات اداری زمان نویسنده آمده باشد، در این پژوهش مانعی عظیم ایجاد می کند. نیز از آنجایی که

بخشی از هدف این پژوهش را معرفی دیوانسالاران و جریانهای موجود در این ساختار تشکیل داده به دست آوردن نام دیوانسالاران و جایگاه دقیق دیوانی آنها بواسطه کمبود منابع امری دشوار به حساب می آید. لازم به ذکر است که برخی از منشآت دیوانی بر جای مانده از این عصر، دارای اطلاعاتی بسیار مفید برای این پژوهش می باشند. لکن آنها نیز از مشکل فوق الذکر دور نبوده اند. تحقیقی مستقل نیز در این باب تاکنون نگاشته نشده است و تنها خانم لمتن چند مقاله در باب ویژگی های کلی ساختار دیوانسالاری ایران در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی به نگارش درآورده است.

۷-محدوده زمانی

همانگونه که از عنوان پژوهش حاضر برمی آید، هدف اصلی آن بررسی ساختار حکومتی خوارزمشاهیان بر مبنای منابع دست اول بر جای مانده از آن دیوان می باشد. خوارزمشاهیان نیز از حدود سال ۴۷۰ هـ ق که در خوارزم تحت تابعیت سلاجقه به قدرت رسیدند تا دو دهه آغازین قرن هفتم هجری قمری که بر سراسر ایران تسلط داشتند، حکومت خویش را حفظ نمودند، پژوهش حاضر محدوده زمانی فوق الذکر را لحاظ قرار داده حتی در بیان ویژگی های دیوانسالاری ایران در دوران حاکمیت سیاسی سلجوقیان و خوارزمشاهیان داشته است.

نقد و بررسی منابع پژوهش

اشاره: نظری به منابع و مأخذ

برای بررسی آنچه که ارتباط با تاریخ سیاسی ایران به روزگار حاکمیت خوارزمشاهیان دارد، با چند دسته از منابع که لزوماً ارتباطی با متون تاریخنگارانه هر دوره تاریخی ندارند، روبرو می‌شویم. در درجه نخست، تاریخ نگاری‌های سلسله‌ای این عصر مشخص تاریخی فرا رویمان قرار گرفته که با نگاهی به اسامی مأخذ، در می‌یابیم متن مستقلاً که تعلق به تاریخ سیاسی خوارزمشاهیان بوده و در اختیار ما باشد، وجود ندارد، اگر چه قفس اوغلی در بخش بررسی منابع کتاب تاریخ دولت خوارزمشاهیان از منابعی که فعلاً در دسترس نیست چون شاهنشاهنامه محمد پائیزی، تاریخ خوارزمشاهی از سید صدرالدین نیشابوری، تاریخ خوارزم اثر محمدبن محمد ارسلان خوارزمی و ... نام می‌برد، لکن همانطور که بیان شد این آثار در دسترس محقق امروزی قرار ندارد.

از دیگر سو باید گفت علیرغم خلق آثار ارزشمند تاریخی چه در عرصه تاریخ نگاری سلسله‌ای و چه تاریخنگاری در حاکمیت‌های متفرق و تاریخ نگاری‌های محلی در دوران سلاجقه در ایران، در عصر خوارزمشاهیان شاهد تحریر این گونه نوشتارها نیستیم. برای جستجوی دلایل این امر شاید می‌بایست به این واقعیت تاریخی اشاره کرد که حاکمیت خوارزمشاهیان در تاریخ ایران تا دورانی مشخص رسماً زیر نظر و تحت تابعیت سیاسی سلسله سلجوقی تداوم می‌یافت و شاهان خوارزم مشروعیت سیاسی خویش را از سلاجقه می‌گرفتند و نیز از آن زمان که به واسطه کاهش قدرت سلاجقه، با افزایش قدرت افرادی چون آتسز، ایل ارسلان و علی‌الخصوص تکش و سلطان محمد خوارزمشاه مواجه می‌شویم و تحرکات سیاسی این سلاطین سبب ساز تحولات منطقه‌ای می‌گردد. باز هم خوارزمشاهیان را دارای آنچنان ثبات سیاسی که این سلسله را در عرصه فعالیت‌های مبتنی بر خلق تاریخ نگاری درباری قرار دهد، نمی‌یابیم و به عبارت دیگر سلاطین خوارزمشاهی حتی در اوج قدرت خویش نیز نتوانستند به دوران تثبیت سلسله خویش دست یابند تا شاهد بدست دادن

تاریخ نگاری‌های سلسله‌ای و ظهور مورخانی چون راوندی و ظهیری نیشابوری نزد آنان باشیم. از این حیث لاجرم بخش بسیار زیادی از اطلاعات ما در باب اوضاع سیاسی این دوران از مطالعه آثار نگاشته شده در حوزه تاریخ نگاری سلجوقی بدست آید.

نیز از برخی آثار سیاسی دوران بعد از خوارزمشاهی نیز کسب اطلاع می‌توان کرد. از آنجمله است جلد دوم تاریخ جهانگشای جوینی که رویکرد اختصاصی به تاریخ سیاسی خوارزمشاهیان دارد و در جای خویش از آن صحبت خواهد شد. با این حساب در می‌یابیم که آثار ماتقدم و ماتأخر یا قبلی و بعدی در باب این دوران که واسطه و ما بین دو دوره تاریخی مهم و تأثیرگذار در ساختار سیاسی اقتصادی اجتماعی تاریخی می‌باشد، به یاری محقق این دوران خواهد آمد.

برای بررسی اوضاع اجتماعی و نظام دیوانی این عصر و درک لایه‌ها و طبقات اجتماعی تاریخ ایران میانه نیز تنها می‌توان از برخی منشآت بر جای مانده از دوران سلجوقی و خوارزمشاهی سود جست از آن حیث از منشآت عصر سلجوقی نام می‌بریم که بسیاری از ویژگیهای دیوانسالاری این دوران، از عصر ماقبل خویش یعنی روزگار حاکمیت سلاجقه، وام گرفته شده است. اگر چه در برخی از مناصب، تحولاتی را شاهد می‌باشیم که در جای خویش بیان خواهد شد. لکن در کل ساختار با تفاوت خاصی روبرو نخواهیم شد. بگونه‌ای که می‌توان گفت ساختار دیوانی این دوران بر مبنای الگوی دیوانی عصر سلجوقی استوار شده است. نیز از برخی مجموعه‌های دیوانی و منشآت خاصه عصر خوارزمشاهی نیز استفاده گشت چون منشآت رشیدالدین وطواط، رئیس دیوان رسائل خوارزمشاهیان، التوسل الی الترسل، رئیس دیوان رسائل علاءالدین تکش و غیره که در بخش منابع اصلی به بررسی و نقد آنان پرداخته شده است.

در همین جا باید ذکر شود که استفاده از اسناد دیوانی و منشآت این دوران حتی آندسته که متعلق به عصر سلجوقی باشند و در مجموع تاریخ میانه ایران را در بر می‌گیرند، دارای مشکلات خاص خویش است. از جمله این مشکلات، عدم اشاره به اسامی افراد دیوانی در عمده این

مجموعه‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر در نگارش منشآت توسط دیوان رسالت، از الگوی خاصی استفاده می‌گشت و اهتمام جدی به بردن نام فردی که در منصب خاصی قرار می‌گیرد وجود نداشت زیرا اهمیت اصلی تحریر مجموعه‌های نامه توسط بزرگان دیوان انشاء بیادگار گذاردن الگوهای مشخص برای کاتبین دوران بعدی تاریخ ایران بوده است و این امر جدای از کمک فراوانی که این دسته از منابع در بازشناسی طبقات، لایه‌ها و بخش‌های مختلف نظام دیوانی یک عصر، نیز وظایف و حدود اختیارات و موانع فعالیت‌ها آنها به محقق می‌کنند، از بابت بازشناسی نام و نسب افرادی که در این مناصب قرار می‌گیرند، حائز اهمیت نیستند. در این پژوهش بیشتر از الگوی نگارش منشآت برای درک چگونگی دیوانسالاری ایران در عصر خوارزمشاهیان استفاده شده است.

نیز لمبتن معتقد است که این منشآت و اسناد در شرایط مشخص ممکن است به ارائه نظریات متفاوت و «غیر رسمی» پردازند و اسناد این دوره‌ها نیز تمام ادوار و مناطق را در بر نمی‌گیرد. تعدادی از نویسندگان و مؤلفین این اسناد، آثار خود را بر اساس طبقات حاکمه (به منظور حمایت) طبقه‌بندی کرده‌اند و برخی هم خودشان در زمره مأمورین حکومتی بوده‌اند. از این رو آثار آنها مبین نظریات رسمی است و لی با این همه در این نوشته‌ها گاهی برخورد آراء و تضاد عقاید نیز دیده می‌شود. در آنها به ندرت نظرات «غیر رسمی» ابراز شده است.

از آنجا که اکثر نویسندگان به طبقات شهری تعلق داشتند لذا همین جهت‌گیری در آثارشان راه پیدا کرده است.^۱

برای نگارش بخش مربوط به تاریخ سیاسی این عصر، از برخی از منابع تاریخ‌نگاری سلسله‌ای ادوار قبل نیز استفاده گشت چون تاریخ بیهقی که یکی از مهم‌ترین منابع در دوره انتقال ایالت خوارزم به سلاجقه بوده است. نیز برخی از منابع رسمی سلجوقیان چون سلجوق نامه ظهیری

۱- لمبتن، آن- تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران - ترجمه: یعقوب آژند تهران، نشر نی چاپ دوم، ۱۳۸۲ - ص ۴۰۵

نیشابوری، راحه‌الصدور راوندی، و برخی منابع عمومی دیگر چون مجمع‌الانساب شبانکاره‌ای، کمک و یاور این پژوهش بوده‌اند، تاریخ کامل ابن‌اثیر، العبر ابن‌خلدون و طبقات ناصری از منهاج سراج نیز برای روشن شدن برخی دیگر از ابهامات، رویدادهای سیاسی دوره مورد نظر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ناگفته نماند که برخی از منابع ذکر شده در بدست آوردن اسامی برخی از دیوانسالاران دوره خوارزمشاهیان به پژوهنده این نوشتار سود رسانیده‌اند که در متن تحقیق از آنها نام بیشتری برده شده است.

برخی از تواریخ محلی این دوران نیز دارای اهمیت می‌باشند که از رویت مجموع مهم‌ترین آنان، به برخی از مطالب المضاف الی بدایع‌الازمان فی تاریخ‌الکرمان افضل‌الدین ابوحامد بن حامد کرمانی و نیز تاریخ سیستان اشاره شده است. اگر چه متونی دیگر چون تاریخ بیهق ابن‌فندق، تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران ظهیرالدین مرعشی، بدایع‌الازمان از افضل‌الدین کرمانی، سمط‌العلی اثر ناصرالدین منشی کرمانی و تاریخ بخارای نرشخی مورد بازدید قرار گرفتند.

منابع ادبی از دیگر منابع دست‌یاب این تحقیق به حساب آمده‌اند. بخشی از این نوشتارها، دواوین شعری شعرای بزرگ تاریخ میانه ایران به حساب می‌آیند که شعر ایشان در دربارهای سلجوقی و خوارزمشاهی دارای اهمیت سیاسی بوده و چه بسا بسیاری از افراد دیوانی این دوران را مورد مدح و ستایش قرار داده‌اند و از همین جهت است که این آثار مورد توجه قرار گرفته‌اند چون دیوان رشیدالدین وطواط، دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، دیوان خاقانی، دیوان امیرالشعراء معزی و نیز برخی از تذکره‌های ادبی چون لباب‌الالباب سدیدالدین محمد عوفی و در یک مورد از معارف بهاء‌ولد پدر مولانا نیز استفاده گشته است.

شکل و ساختار موضوع مورد بررسی در این تحقیق - دیوان سالاری عصر خوارزمشاهیان - ایجاب می‌کند تا از اطلاعاتی که در باب ویژگیهای دیوانی این دوران سخن می‌راند، استقبال بیشتری شود و از دیگر سو، چنانچه قبلاً اشاره شد، اعتقاد به تداوم الگوی دیوانی سلجوقی ایران دوران خوارزمشاهیان. سبب استفاده از مجموعه‌هایی که در دوران سلاجقه به نگارش درآمده و این نیاز را مرتفع می‌نمود، می‌گشت. توجه به عوامل فوق‌الذکر، دلایل سود جستن از متونی چون دستور دبیری، مقدمه تاریخ شاهی قراختائیان، چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، نصیحت‌الملوک غزالی، سیاست نامه خواجه نظام‌الملک و نظایر اینها را آشکار می‌سازد.

چرا که در این آثار بخشهایی به توصیف ویژگی‌های نظام دیوانی و وظایف دیوانسالاران و توقعات رفته از آنان پرداخته شده است. اگر چه متن تاریخ شاهی قراختائیان دقیقاً از نظر زمانی متعلق به دوران خوارزمشاهی نیست لکن مقدمه آن الگوی عمومی برای شیوه دیوانسالاری در تاریخ میانه ایران به حساب می‌آید و به این اعتبار از این متن استفاده شده است.

تحقیقات برخی از بهترین محققان عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تاریخ میانه ایران، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند که می‌توان از میان آنان به نوشته‌های آن لمتن، برتولد اشپولر، ادوارد کلینفورد باثورث، کارلاکلوزنر و ابراهیم قفس اوغلی اشاره کرد.

در نهایت باید به این نکته توجه داد که علیرغم اهمیت تمام آثار یاد شده. در این پژوهش، می‌بایست به تنها متون مهم تاریخ نگاری این دوران اشاره کرده و آن دو نوشته از شهاب‌الدین محمد نسوی می‌باشد. اول سیرت جلال‌الدین و دیگر تک‌نگاری نفثه المصدور.

در باب اهمیت نویسنده این متون و جایگاه دیوانی وی در تاریخ سیاسی دوران خوارزمشاهیان و نزدیکی او با شخص جلال‌الدین خوارزمشاه در نقد و بررسی منابع سخن رانده شده، است لکن باید افزوده شود که این دو اثر از حیث توضیحاتی که در باب اوضاع اداری و نظامی خوارزمشاهیان،

سلطان محمد و نیز ترکان خاتون مادر وی و وضعیت داخلی و سایر ویژگی‌های این امپراطوری ارائه کرده است بی‌نظیر به حساب می‌آید. بررسی علل و عوامل سقوط سریع این امپراطوری در پرتو شرح چگونگی پیروزیها و شکست‌های نظامی و سیاسی شاهان این سلسله که با دیدی انتقادی توسط نسوی ذکر شده است، سبب افزایش اهمیت دو اثر یاد شده می‌باشد. جایگاه دیوانی شخص نسوی، آگاهی ما را در باب وزرا و بسیاری از ارکان دولت و امرای لشکری افزون کرده است.

نقد و بررسی منابع پژوهش

الف: منشآت

۱- منشآت رشیدالدین وطواط:

رشیدالدین وطواط در حدود سال ۴۸۰ هـ ق در شهر بلخ بدنیا آمد. بنا به گزارش مصحح نامه‌های رشید، نسب وی به عمر بن الخطاب می‌رسد.^۱ نامش محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی است که به رشیدالدین شهرت یافته و به مناسبت اندام کوچکش و شکل جمجمه و سر بی‌مویش وطواط نام گرفت.^۲

او در نظامیه بلخ و نزد امام ابوسعید هروی به تحصیل علوم زمان خود پرداخت. هنگامی شهرت یافت که به خدمت علاء الدوله- اتسز بن قطب‌الدین خوارزمشاه در آمد (حدود سال ۵۲۲ هـ ق) و تا پایان عمر اتسز (سال ۵۵۱) در خدمت خوارزمشاه بود. چنانچه از برخی قصائد و نامه‌های او استنباط می‌شود در فاصله بین سالهای ۵۴۷ تا ۵۴۸ چند ماهی از خدمت برکنار مانده بود. سمت او در دربار اتسز به روشنی معلوم نیست، برخلاف قول اقبال که او را به مدت سی سال رئیس

۱- وطواط، رشیدالدین، نامه‌های رشیدالدین وطواط، تصحیح قاسم تویسرکانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۳ مقدمه

۲- بیات، عزیزالله، شناسائی منابع و مآخذ تاریخ ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶

۳- وطواط رشید الدین، همان. ص ۳ و ۴ مقدمه

دیوان انشاء یا وزیر رسائل آتسز دانسته، تنها همین قدر معلوم است که او به شغل دبیری و شاعری خاص دربار اشتغال داشته است.

ولی باید پذیرفت که مقام او در دستگاه آتسز مقامی برتر از یک دبیر عادی عضو دیوان رسایل بود. و شاید به منزلت ملک الشعرا دربار بوده است.^۱

رشیدالدین مردی اهل علم و دانش دوست بود. و علاوه بر امور دیوان با شعرای هم عصر خود چون خاقانی، انوری و ادیب صابر مناظراتی داشته و با دانشمندانی چون جارالله، زمخشری قاضی یعقوب و دیگران نیز ارتباطات علمی داشته است.^۲

رشید پس از مرگ آتسز به خدمت ایل ارسلان در آمد، اما در نامه‌های فارسی و عربی و در اشعار وطواط نامی از این پادشاه دیده نمی‌شود بنابراین بعید است که او در خدمت پسر آتسز بوده باشد.^۳

به نظر می‌رسد تا آخر عمر یعنی تا سال ۵۷۳ هـ. ق در دستگاه خوارزمشاهیان خدمت کرده است.^۴

معروفترین اثر رشیدالدین وطواط، حدائق السحر فی دقایق الشعر نام دارد که در فن بدیع نوشته شده است.^۵

نامه‌های عربی رشیدالدین وطواط در دو مجموعه عرائس الخواطر و نفائس النوادر و دیگری ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار گرد آمده است. سبک نامه‌های او به سبک نامه‌های فارسی و مسجع و موزون است، و از جهت اصول و قواعد زبان عربی، اسلوبی متین دارد. منشآت عربی او از جهت

۱- وطواط رشیدالدین، همان، ص ۳-۴

۲- همان، ص ۵ مقدمه

۳- همان، ص ۶ و ۷ مقدمه

۴- بیات، عزیزا...، همان، ص ۲۲۷

۵- وطواط، رشیدالدین، همان، ص ۱۰ مقدمه